

آسیب‌شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام

عبدالحسین خسروپناه*

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره 4، پیاپی 64، زمستان 1394؛ صفحات 5-28

چکیده

فرقه عبارت از دسته، گروه و طایفه جداشده از جامعه و فرقه‌گرایی، نوعی کجروی اجتماعی است که با تعصب و اطاعت کورکورانه، خواهان جدایی از مذهب اصیل و رسمی جامعه است. خدعه و جهالت، دو عامل مهم پیدایش فرقه‌گرایی مذهبی است که ریشه در نسبی‌گرایی معرفتی و گوهر مدرنیته یعنی فاعل‌شناسای انسانی دارد. عوامل درون و برون فرهنگی گسترش فرقه‌گرایی عبارتند از: شکاف اجتماعی ناشی از تقابل سنت و مدرنیته، تبعات روحی و روانی ناشی از جنگ‌های استعماری، بحران هویت دینی، تضعیف معرفت دینی، تخریب ساحت معنویت حقیقی، نهادینه نشدن سبک زندگی، توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و ناشناخته ماندن سرچشمه‌های توطئه. دو آسیب مهم فرقه‌گرایی شامل ایجاد شکاف در جامعه و انحطاط تمدنی و راه مقابله با آن، جمع ارگانیک بین مفاهیم عقلانیت، ایمان، عدالت، امنیت و آزادی است.

واژگان کلیدی

فرقه‌گرایی، مذهب، آسیب‌شناسی، امنیت اسلامی

* استاد حوزه علمیه قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران؛

Khosropanahdezfuli@gmail.com

تاریخ دریافت: 1394/11/30

تاریخ پذیرش نهایی: 1394/12/25

مقدمه

یکی از آسیب‌های جهان معاصر و جوامع دینداران به ویژه جوامع اسلامی، فرقه‌گرایی مذهبی است که باعث تشتت و نزاع میان مسلمانان شده است. امروز ترویج ادیان و فرقه‌های مذهبی و معنویت‌های نوپدید دینی به صورت وارداتی در میان عموم مردم دیده می‌شود و نگارنده در کتاب جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها از این جریان با عنوان کثرت‌گرایی دینی و مذهبی یاد کرده است. این اصطلاح نخستین بار توسط جان هیک، فیلسوف انگلیسی در فلسفه دین با غرض اثبات حقانیت برابر همه ادیان و مذاهب مطرح شد، ولی اینک مدلی از کثرت‌گرایی فرقه‌های مذهبی در جهان اسلام برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان ارائه شده است. این نگاشته به مباحث چیستی فرقه و فرقه‌گرایی و علل پیدایش و گرایش به فرقه‌گرایی مذهبی و نقش آن در فروپاشی و بحران امنیت اسلامی می‌پردازد.

گفتار اول: مقدمات مفهومی

فرقه چیست؟

فرقه و واژه لاتینی Sect در لغت به معنای راه، طریق عمل و نظام رفتاری است (ساروخانی، 1370: 665). برخی نیز فرقه را به معنای کیش گرفته‌اند. این واژه در ادبیات فارسی به معنای جدایی، دسته، گروه و طایفه آمده است (معین، 1375: 2523) و (دهخدا، 1377: 17094-17092). فرقه هم به بخشی از جامعه که از مذهبی رسمی جدا شده، اطلاق می‌شود و هم درباره آئینی به کار می‌رود که جنبش جدایی طلب ملی، زبانی، مذهبی، سیاسی و غیره را به همراه داشته باشد (آقابخشی، افشاری‌راد، 1383: 611). جی.ام. بینگر بر معیارهایی برای تعریف کیش، مانند به صورت‌های مختلف در آمدن، جست‌وجوی تجربه عرفانی، فقدان ساختاری سازمانی و وجود رهبری فرهمند تأکید می‌ورزد (گولد و کولب، 1376: 713-712). یک فرقه، حول هر محتوایی مانند سیاست، مذهب، تجارت، سلامت جسم،



روانشناسی و غیره شکل می‌گیرد (سینگر، 1388: 222).

فرقه در اصطلاح، یک گروه مذهبی است که در اعتراض به گروه مذهبی دیگر پدید می‌آید و معمولاً از گروه مذهبی اصلی جدا می‌شود. تشکیل فرقه به صورت حمایت اعتقادی، اعمال آیینی و معیارهای اخلاقی تجلی می‌کند و بیشتر اعضای آن عقیده دارند که این آیین‌ها و معیارها در واقع بازگشتی به شکل‌های اولیه و خالص‌تر مذهب خاصی است (راسخ، 1391: 628-627). همچنین فرقه به جماعت شبه معنوی نیز گفته می‌شود که وجه امتیاز اصلی و اساسی آنان ایمان و عقیده خاص نیست، بلکه نفس پیوندها، ارتباطات و تعاملات خاص درونی است که میان افراد وابسته به آن برقرار می‌شود و معمولاً در رأس آن، فرد یا افرادی قرار دارند که نماد، مظهر و غایت و مایه قوام این پیوندها هستند (شهرستانی، 1389).

فرقه‌گرایی چیست؟

مفهوم فرقه‌گرایی معادل «لطانفه» در عربی و Sectarianism از ریشه لاتین Secta در انگلیسی به معنای عقاید تعصب‌آمیز حزبی یا مسلکی و افکار محدود به فرقه خاص و یک دنده در عقاید خود است (آریانپور، 1369). این اصطلاح از نظر تاریخی برای دسته‌بندی تفاوت‌های مذهبی استفاده شده و در علم انسان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی یک مفهوم اصلی است که از دهه 1960 مورد توجه قرار گرفته است. در این گفتمان که از عمومیت بیشتری برخوردار است، تأکید می‌شود که فرقه‌ها غالباً در صدد بوده‌اند روابط اجتماعی انسان‌ها را به صورت تازه‌ای سامان دهند و نسل‌های تازه را با ارزش‌ها و الگوهای زندگی خاص خود اجتماعی کنند (همیلتون، 1390: 328). پس این فرقه‌ها، راه و شیوه عمل مبتنی بر سرسختی در عقاید متعصبانه یک مکتب معنوی، سیاسی و فلسفی را به رهروان خود معرفی می‌کنند که از فرقه‌گرایی حکایت دارد.

فرقه‌گرایی در علوم اجتماعی با توجه به نظریه کجروی بر نیاز به جامعه‌پذیر شدن فرد در درون نظامی از هنجارها و ارزش‌ها که راهنما و مشوق نقض

هنجارهای مسلط در جامعه است، تکیه می‌کند (سلیمی و داوری، 1385: 399). از این رو فرقه‌گرایی برای توصیف و فهم هویت گروه‌های متفاوت و کجرو فرهنگی و مذهبی به کار می‌رود؛ به گونه‌ای که سلوکشان از روال عادی فراتر می‌رود و در نگاه بیشتر مردم به ریشخند یا رسوایی می‌رسد (مالرب، 1385: 437). این اصطلاح با این تفسیر جامعه‌شناختی شامل اندیشه و عمل کسانی می‌شود که محدود از نظر کمی و منفک از بدنه اصلی آیین و اغلب گذرا هستند (ساروخانی، 1370: 665). بنابراین مهم‌ترین شاخص‌های فرقه‌گرایی عبارت است از:

1. جامعه‌پذیری کجروانه از طریق نفی هنجارهای مسلط در جامعه؛
 2. هویت‌سازی متصلب نوپدید با تکیه بر هنجارسازی و ارزش‌نمایی متفاوت؛
 3. جدا افتادگی و انزوای فرهنگی، اجتماعی و محیطی؛
 4. تمرکزگرایی در مدیریت و محدودیت اعضا و هواداران؛
 5. موقتی و غیرپایدار بودن ساختار گروهی.
- اینک مفهوم فرقه‌گرایی گسترش بیشتری یافته و با «طبقه» در آمیخته است و به طور مجازی کاربردی نکوهشی دارد. این اصطلاح از واژه‌هایی است که دلالت‌های تازه‌ای به معنای تعصب نسبت به فرقه معین دارد و چنانچه در جامعه‌ای گسترش یابد به گسیختگی و پاره پاره شدن آن می‌انجامد و مانع وحدت و نیرومندی جامعه می‌شود (الدسوقی، 1388). فرقه‌گرایی در فرهنگ علوم سیاسی نیز به معنای قطع رابطه با افراد بیرون از یک گروه و تعصب شدید نسبت به گروه خود و در نتیجه تبدیل شدن به یک دسته جدا از مردم است (علیزاده، 1381: 259).

علاوه بر ارکان سه‌گانه وراثت، وفاداری و اطاعت، باورمندی ناشی از تعصب تولید شده توسط رهبران فرقه‌ها نیز یک رکن مهم فرقه‌گرایی به شمار می‌آید که انگیزه لازم را برای همگرایی اعضای فرقه و رفتار فرقه‌گرایانه فراهم می‌سازد. با توجه به تعریف مذکور می‌توان گفت که فرقه‌گرایی بر ارکان چهارگانه وراثت، وفاداری، اطاعت و تعصب استوار است که رابطه هم‌افزایی را تشکیل می‌دهند.



فرقه‌ها و جنبش‌های مذهبی و گروه‌های نوپدید دینی اغلب یا از مرزبندی شریعت‌مدارانه فرار می‌کنند و یا به نام شریعت، رفتارهای شریعت‌گريزانه از خود نشان می‌دهند؛ به همین دلیل، پذیرش اطلاق دینی بر این فرقه‌ها بر مبنای توحیدمدارانه غیرممکن است.

استیو بروس، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ابردین اسکاتلند بریتانیا—که آثاری درباره سکولاریسم در جهان غرب نوشته است—در رابطه با منشأ و ماهیت جنبش‌ها و فرقه‌های نوپدید دینی اظهار می‌کند که این گروه‌ها اعتقاداتی روشن و مشخص ندارند، در حاشیه جوامع غربی قرار گرفته‌اند و ابعاد جوامع سکولار معاصر غربی را تأویل معنوی می‌کنند (ضابط، 1383: 100-99).

پس توجیه اطلاق پسوند دینی به فرقه‌های نوپدید مذهبی تنها بر پارادایم مادی‌انگارانه (مبتنی بر رهیافت‌های روان‌شناختی و یا جامعه‌شناختی متأثر از مدرنیسم و پسامدرنیسم) ممکن است نه بر پارادایم خدا‌باورانه و توحیدی (تکیه بر فرامادی بودن ماهیت دین و دریافت آن با وحی از منبع لایزال الهی). چون در پارادایم مادی‌انگارانه که معمولاً تحت تأثیر نظریات اندیشمندان علوم اجتماعی مانند ماکس وبر، امیل دورکیم، الکسس مارکس، فروید و... است دین زائیده شرایط روحی و روانی افراد یا شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه است و منشأ الهی ندارد (خسروپناه، 1392: 250) و (پیروزمند، 1389: 64)، دین در این نگرش یک پدیده اجتماعی است که مجموعه‌ای از باورداشت‌های اخلاقی و رفتارهای مقدس و رازآلود را دربرمی‌گیرد که مهم‌ترین کارکرد آن انسجام‌بخشی اخلاقی جامعه است. امیل دورکیم یکی از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی دین در این باره معتقد است: «دین نظام یکپارچه‌ای از باورداشت‌ها و عملکردهای مرتبط با چیزهای مقدس است، یعنی چیزهایی که جدا از چیزهای دیگر انگاشته شده است و در زمره محارم به شمار می‌آید. این باورداشت‌ها و

عملکردها همه کسانی را که به آن عمل می‌کنند در یک اجتماع اخلاقی واحد همبسته می‌کند» (دورکیم، 1915: 47).

دین در پارادایم خداپاورانه یا توحیدی که تحت تأثیر تعاریف اندیشمندان اسلامی قرار دارد، محور تعیین‌کننده اعتقادات، اخلاقیات و رفتارهایی است که بشر را به سعادت و کمال می‌رساند و بر این اساس، بدون پیامبر و وحی معنای روشنی ندارد (خسروپناه، 1392: 241) و (پیروزمند، 1389: 231).

مطالعه فرقه‌ها و فرقه‌گرایی، بستر مناسبی برای فهم چگونگی دگرگونی‌های جدید در سنت‌های مذهبی جدید و دینی است. علت این امر آن است که در همه ادیان و در همه دوره‌های تاریخی همواره گروه‌ها و حرکت‌های جدیدی از بطن دین به وجود آمده‌اند که همگی در ابتدای پیدایش، ماهیتی مذهبی و سپس فرقه‌ای و محفلی داشته‌اند. در این مقطع، ادیان نه در راستای تقویت همبستگی اجتماعی بلکه برخلاف آن عمل می‌کنند؛ اما با فراگیر شدن و اقبال عمومی به این نحله‌ها دوباره کارکرد انسجام بخش و پیوند دهنده خویش را ایفا می‌کنند (حاجیانی، 1383: 234).

چیستی امنیت

واژه امنیت به دلیل کاربرد زیاد از بداهت مفهومی برخوردار است و تنها زمانی این وضعیت نقد و نفی می‌شود که مخاطب در مقام ارائه یک تعریف مدون و مشخص برای آن برآید. به همین دلیل در متون تخصصی بیش از 150 مورد تعریف در رابطه با این واژه پیشنهاد شده است که می‌توان مجموع این تعاریف را با توجه به نوع گفتمان حاکم بر آنها به دو دسته اصلی تقسیم کرد (افتخاری، 1380: 9-29).

الف) تعاریف سلبی از امنیت

در این تعاریف که از حیث پیشینه تاریخی از قدمت بیشتر و از حیث تعداد از پیروان زیادتری برخوردار است، امنیت به «نبود تهدید» شناسانده می‌شود. اطلاق وجه سلبی به این دلیل است که امنیت با نبود چیز دیگری - که تهدید باشد -

تعریف می‌شود. بنابراین تعریف عمومی امنیت عبارت است از: «وضعیتی که در آن منافع بازیگر از سوی دیگر بازیگران در معرض تهدید قرار نگیرد و یا در صورت احتمال وقوع، تهدیدشونده از امکان و توان لازم برای مقابله، مهار و دفع آن برخوردار باشد» (افتخاری، 1390).¹

چنان‌که از ارکان مفهومی مندرج در تعریف بالا بر می‌آید، تعاریف سلبی عموماً برون‌نگر، سخت‌افزارانه و قدرت‌محور هستند. به این معنا که:

(الف) در مقام شناسایی و تعریف امنیت یک بازیگر، نوع رفتار بازیگران دیگر را ملاک قرار می‌دهد (برون‌نگری)؛

(ب) ملاحظات مربوط به میزان توانمندی نظامی، اقتصادی، انسانی و... در برآوردهای امنیتی‌شان از اولویت نخست برخوردار هستند (سخت‌افزارگرایی)؛

(ج) برای مدیریت ناامنی و تقویت ضریب امنیتی بازیگر، به راهبرد عمومی افزایش قدرت قائل هستند (قدرت‌محوری).

(ب) تعاریف ایجابی از امنیت

در این تلقی از امنیت، شاهد نقد ویژگی‌های سه‌گانه سلبی‌نگری هستیم (افتخاری، 1390).

انحصار ناامنی‌ها به تهدیدات خارجی و غفلت از آسیب‌های داخلی، توجه نکردن به ملاحظات نرم‌افزارانه و اشکال نوین قدرت نرم که از نفوذ بیشتری در معادلات امنیتی برخوردارند و غفلت از نقش سازنده و بلامنازع سرمایه اجتماعی در امنیت‌سازی به عنوان سه دلیل اصلی ناقص ارزیابی سلبی‌نگری مطرح هستند. با توجه به اعتبار نقدهای وارده، دکتر افتخاری تعریف تازه‌ای از امنیت را که معرف رویکرد ایجابی است، پیشنهاد می‌دهد. وی معتقد است: «امنیت، وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌های بازیگر، نسبت متعادلی وجود دارد؛ به گونه‌ای که

1. منبع: بنیادگرایی و سلفیه بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، به کوشش دکتر حسین هوشنگی و دکتر احمد پاکتچی، انتشارات دانشگاه امام صادق، 1390 ش.

نزد اعضای آن واحد سیاسی، تولید رضایت می‌کند» (افتخاری، 1390).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، رویکرد ایجابی اصولاً درون‌نگر (یعنی اولویت را به تحولات و ملاحظات درونی می‌دهد)، نرم‌افزارگرایانه (یعنی از خواسته و داشته و نسبت بین آن دو در قالب مفهوم نرمی مانند محرومیت نسبی تبیین می‌شود) و «فراقدرتی» (یعنی امنیت را به رضایت و نه قدرت، تقلیل می‌دهد) است.

با توجه به وضعیت جهان معاصر می‌توان ادعا کرد که رویکرد ایجابی از ظرفیت و توان تحلیلی- تجویزی بیشتری برای درک اوضاع امنیتی و تجویز راهبردهای مؤثر امنیتی برخوردار است. دلیل این امر را می‌توان این‌گونه برشمرد: الف) امنیت، «فرهنگی شده» است. پدیده «فرهنگی شدن»¹ مبین این واقعیت است که هنجارها و ارزش‌ها از حد یک ابزار یا یک بُعد برای امنیت فراتر رفته‌اند و در نتیجه، در تکوین ماهیت امنیت مؤثر هستند. به همین دلیل موج مطالعاتی نوین امنیت از نظامی‌گری، اقتصاد محوری، فناوری و دانش‌محوری - به مثابه مراحل اصلی چهارگانه‌ای که جهان آنها را تجربه کرده - بر ابعاد تمدنی استوار شده است. طرح نظریه‌های امنیتی کلانی مانند برخورد تمدن‌ها، پایان تاریخ، جامعه مدنی جهانی، گفت‌وگوی تمدن‌ها و... مؤید این مدعا در گستره جهانی است.²

ب) قدرت از پدیده‌ای سخت‌افزارانه - موسوم به قدرت سخت³ - به مقوله‌ای نرم - موسوم به قدرت نرم⁴ - تبدیل شده است. تحلیل جوزف نای⁵ مبنی بر اینکه منابع تازه‌ای از قدرت پدیدار شده که در ورای ملاحظات سخت‌افزارانه و بر بنیاد جذابیت و اقناع عمل می‌کند، دلالت بر این دارد که ذهنیت‌ها به مراتب

1. Culturalization.

2. کاتزنشتاین و همکارانش در کتاب «فرهنگ امنیت ملی» پدیده فرهنگی شدن امنیت را به صورت منظم و مدرن مطرح کرده‌اند که در آن نقش نهادهای رسمی، فرهنگ سیاسی جهانی، شکل‌گیری هویت‌های نوین خرده‌ملی یا فراملی، پدیدار شدن هنجاری نوین و بالاخره فعال شدن فرآیندهایی مانند بوم‌شناختی، اجتماعی و داخلی در عرصه تحلیل و مدیریت موضوعات امنیتی، مورد توجه خاص قرار گرفته‌اند. برای آشنایی با اصول اولیه این رویکرد نگاه کنید به (افتخاری، 1380: 11-39).

3. Hard Power

4. Soft Power

5. Joseph Nye



بیشتر از عینیت‌ها در شکل‌دهی به رفتارها و تعریف موقعیت‌ها اثرگذار هستند (نای، 1387: 82-35). به عبارت دیگر، امنیت را باید در شبکه ارتباطی تصاویر¹ جست‌وجو و تعریف کرد (افتخاری، 1385: 30).

ج) سطوح امنیت

مطابق رویکرد جامع، امنیت پدیده‌ای سه‌وجهی ارزیابی می‌شود و مرکب از سه سطح تحلیلی است:

سطح یک ایده امنیت: منظور از ایده² بخشی از امنیت است که از چستی امنیت سخن می‌گوید و بُعد ذهنی آن را نزد مخاطبان سامان می‌دهد. ایده‌ها با آرمان‌ها ارتباط دارند و به همین دلیل انتزاعی هستند. هم‌چنین نرم‌ترین بخش یک پدیده امنیتی را شکل می‌دهند که در قالب نظریه‌های امنیتی تجلی می‌یابد.

سطح دو منافع امنیت: منافع را می‌توان میان دو حوزه ذهن و عین و واقع در مرز آرمان‌گرایی-واقع‌گرایی تلقی کرد. به عبارت دیگر، منفعت به دلیل ویژگی دوگانه‌اش می‌تواند به بازتعریف آرمان در چارچوب مقتضیات زمانی و مکانی منتهی شود و به این ترتیب، امکان انتقال آنها را به درک عمومی میسر سازد.

سطح سه فیزیک امنیت: منظور از فیزیک امنیت، بخش عینی امنیت است که معمولاً در دو بُعد بررسی می‌شود: نخست ملاحظات ساختاری که به نحوه سازمان‌دهی و ارتباط درونی عناصر اصلی و اثرگذار در امنیت‌سازی مربوط می‌شود و سپس روش‌های اجرایی که بازیگر برای تحقق امنیت و صیانت از آن یا مقابله با ناامنی از آنها بهره می‌برد. فیزیک امنیت دارای ابعاد سخت‌افزاری (سازمان، منافع و...) و نرم‌افزاری (نحوه ارتباط، ضوابط و قواعد ارتباطی و رفتاری و...) است (بوزان و دیگران، 1386: 316-291).



گفتار دوم: عوامل پیدایش فرقه‌های مذهبی

در مورد بسترشناسی و علل ظهور، ترویج و گسترش فرقه‌های مذهبی و نوپدید دینی تحقیقات گوناگونی از سوی اندیشمندان مطرح شده است. حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع) تعبیر جالبی از تصوف فرقه‌ای دارند، ایشان می‌فرمایند: «کسی قائل به تصوف نمی‌شود، مگر از روی خدعه و مکر یا جهالت و حماقت» (قمی، 1414: 57). براساس این روایت، دو گروه مرجع فاعلی یعنی خدعه‌گران و مرجع قابلی یعنی جاهلان علت وجودی فرقه‌ها به شمار می‌آیند (کرمانی، 1389: 42).

مدیریت منفعت‌طلبانه فرقه‌ها در جوامع، یکی از مهم‌ترین راهبردهای فرقه‌سازی است که برای رسیدن به اهداف مشخص سیاسی یا تجاری از آن استفاده می‌کنند. پس فرقه‌گرایی هم یک چالش سیاسی است تا به استقلال سیاسی جامعه آسیب بزند، هم یک چالش اقتصادی محسوب می‌شود تا سودآوران استعمارگرا بتوانند از این طریق، مذهب را به بازار کسب درآمد تبدیل کنند و هم چالش فرهنگی به شمار می‌آید تا با نشر توریسم معنوی- مذهبی به مذهب اصیل آسیب بزنند. بنابراین سلطه‌طلبی‌ها و سلطه‌گری‌های امپراتوری‌های استعمارگر باعث تفرقه‌گرایی در حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ می‌شود.

برخی از محققان بر این باورند که فرایند فرقه‌سازی ناشی از دنیوی شدن کلیسا است. سکولاریزاسیون و عرفی شدن کلیسا و مذهب مسیحیت، باعث پیدایش گروه‌ها و فرقه‌های دینی شده و تحولات نوین بدعت‌گذارانه را تحقق بخشیده است. آر.کی. فن نیز تصریح می‌کند که رابطه نزدیکی میان جوامع دنیوی و برخی از انواع اعتقاد مذهبی فرقه‌ای وجود دارد (همیلتون، 1390: 297).

فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان مرکز ثقل تحولات دنیای جدید و کنترل و بازی اطلاعات در فضای مجازی، به عنوان هسته مرکزی تولید قدرت توانست بسیاری از عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی را دچار تحول بنیادین کند. در این زمینه هم فناوری و هم مضمون اطلاعات مهم هستند؛ ولی به



مضمون اطلاعات توجه بیشتری می‌شود. از این رو ذهنیات، تصاویر و انگاره‌ها عامل مهم بازیگران دولتی و غیردولتی در عصر اطلاعات به شمار می‌آید (گروه مطالعاتی امنیت، 1387: 281-297)، (مرادی، 1389: 69).

با این اوصاف، تأثیر تمدن و تکنولوژی مدرن برآمده از فرایند جهانی‌انگاری بر دگرگونی و بهتر شدن وضع زندگی مادی بشر را هرگز نمی‌توان از نظر دور داشت؛ اما این واقعیت تلخ را هم نباید نادیده گرفت که تمدن مدرن یکی از عوامل مهم غفلت آدمیان از اصلی‌ترین ساحت وجودی خود یعنی روح ملکوتی و در نتیجه فروپاشی بنیادهای اخلاق و معنویت در جهان معاصر بوده است.

عقلانیت و تکنولوژی مدرن، زمینه‌ساز جهانی‌سازی آورده‌های نوپدید فرهنگی، رفتاری و اجتماعی از جمله ترویج جهانی فرقه‌های نوپدید دینی در عصر جدید است. به همین دلیل، بهره‌گیری این فرقه‌ها از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مبادله‌ای فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در فضای سایبر باعث فراهم شدن بستر آسان و بی‌حد و مرز ارتباطی میان عامل فاعلی و عامل قابلی این پدیده شده که ممکن است فاصله جغرافیایی و فرهنگی آنها به اندازه شرق تا غرب کره زمین باشد.

برخورداری از ظرفیت‌های لازم برای پذیرش یک پدیده اجتماعی جدید مانند فرقه‌های نوپدید دینی یکی از مهم‌ترین علل ترویج آن پدیده است. جابجایی ناگهانی در قدرت سیاسی از علل بروز و ظهور فرقه‌ها و فرقه‌گرایی محسوب می‌شود. سید جمال‌الدین اسدآبادی با توجه به همین مسئله تمایلات و گرایش‌های فرقه‌ای و فرقه‌سازی‌ها را دنبال‌ه انشقاق اساسی در دستگاه رهبری جامعه اسلامی یعنی خلافت می‌داند و می‌گوید: «در پی تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت، جامعه مستحکم اسلام تجزیه و به افراد تقسیم شد و هرکدام از آنها فرقه شدند و هر فرقه به دنبال خواسته‌ها و تمایلات خود رفت» (موثقی، 1375: 308-309).

به نظر ماکس وبر، فرقه‌ها معمولاً در میان افراد محروم و کسانی که در حاشیه اجتماع قرار دارند، رشد می‌کنند و اصطلاح «الهیات خاص محرومان» را درباره آنها



به کار می‌برد. علاوه بر ماکس وبر، ترولش نیز فرقه‌ها را اعتراض بر ضد نظم موجود می‌داند که به وسیله آن، افراد محروم به طور موقت، بر احساس محرومیت فایق می‌آیند (تامسون، 1381: 111). وی بر آن است که آیین‌های فرقه‌ای در راستای ارائه راه‌حل‌های دینی برای رفع محرومیت اقتصادی، انقلابی نمادین را به جای یک تغییر بنیادین در ساخت اجتماعی می‌نشانند (حاجیانی، 1383: 235).

فرقه‌گرایی، محصول مجموعه پیچیده‌ای از عوامل مختلف اعم از پیدا و پنهان از جمله خطای انسان‌ها در معنویت‌خواهی فطرتشان است. گروه‌های فرقه‌گرا به مدد فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی به تنوعی از انسان‌های مختلف با ویژگی‌های متفاوت سنی، جنسی و با موقعیت‌های اجتماعی گوناگون دسترسی آسان و بی‌واسطه پیدا کرده‌اند و توان بالقوه‌ای برای ایجاد آمادگی پذیرش رفتار فرقه‌ای را در آنان به وجود می‌آورند. هنگامی که فردی در یک روابط شخصی معنادار، شغل، تحصیل، برنامه آموزشی یا مشغولیت‌های عادی زندگی قرار نداشته باشد بیش از دیگران مستعد گرفتار شدن در چنگ انواع فرقه‌ها است (سینگر، 1388: 225).

برخی از اندیشمندان و جامعه‌شناسان از یک نوع ادیان بسیار جدید یاد کرده‌اند که نیاز جدید جهان غرب به معنویت و شریعت و دلدگی از تکنولوژی و نظام ماشینی، عامل پیدایش آن است و خصوصیت فروکاستی دین در آنها، بسیار ملموس‌تر و مشهودتر از ادیان اصلی است. در واقع جنبش‌های فرقه‌گرای نوپدید دینی در پی اعتراضات جنبش دانشجویی نیمه دوم قرن بیستم در غرب شکل گرفته است. این اعتراضات به مدرنیته و کاستی‌های آن، مانند خلأ معنا، فردگرایی و زوال انسجام اجتماعی، تک‌الگوی، ماتریالیسم، عقلانیت ابزاری و... بوده است (ویلسون و کرسول، 1378: 11).

نهادهای رسمی مشروع و مقبول دینی و مذهبی جامعه از مهم‌ترین دلایل نشاط و کارآمدی باورداشته‌ها و کارکردهای نظری و عملی دینی جوامع



محسوب می‌شوند و به محض اینکه کارکرد متناسب با نیاز جامعه را از دست بدهند جامعه قابلیت پذیرش بینش و کنش‌های فرقه‌ای را پیدا می‌کند.

برخی معتقدند که فرقه‌ها یا گروه‌های مستقل مذهبی در دوره‌هایی ظهور می‌کنند که نظام رسمی دین بر اثر تغییرات ناگهانی قدرت سیاسی در حال فروپاشی باشد (واخ، 1380: 193). برخی دیگر از عوامل پیدایش فرقه‌های مذهبی و نوپدید دینی عبارتند از: مصرف‌گرایی انسان معاصر، بن‌بست فلسفه مدرن، بحران‌های روانی و اجتماعی، تمامیت‌خواهی حاکمیت در سیاست جهانی، تحقیقات تازه در علوم روان‌شناسی و فراروان‌شناسی و در کنار این عوامل شکل‌گیری پست‌مدرنیسم، تأکید بر نیازمندی بشر به ساحت دین، پلورالیسم دینی و پلورالیسم در بسترهای فرهنگی، نیازمندی بیش از گذشته آدمیان بر آرامش معنوی، جایگزینی محسوس معنویت به جای شریعت، مشکلات روحی روانی انسان‌ها و گرایش نسل امروز به قرائت‌های نو از دین رسمی (کافی، 1389: 81-82).

برخی از تحقیقات و علوم مدرن به ویژه علوم فرا روان‌شناسی و مطالعه پدیده‌های فراروانی مانند هیپنوتیزم، کف‌بینی، هاله‌بینی و پیش‌گویی باعث تشدید فرقه‌سازی‌های تکنیک بنیاد شده و زمینه را برای عده‌ای فراهم کرده است تا از طریق ادعای امکان دست‌یابی به نیروهای خارق‌العاده، دست به تأسیس و گسترش فرقه‌های نوپدید مذهبی و معنوی بزنند. مباحث فیزیک نوین مانند نسبیت انیشتین و اصل عدم قطعیت در مکانیک کوانتومی نیز در تحقق و گسترش فرقه‌های مذهبی نوپدید مؤثر بوده است.

امروزه نگرش فیزیک به ماده و جهان تغییر کرده است. تا پیش از آن، جهان از ذرات ریز مادی تشکیل شده بود که تا جایی قابل تجزیه بودند و از آن پس به ذرات بنیادین می‌رسیدند و دیگر قابل تجزیه نبودند؛ اما جهان از نگاه فیزیک بعد از کوانتوم، سراسر انرژی است و هر چیزی از انرژی سیال و نیروی جاری در طبیعت ساخته شده، در حقیقت انرژی صورت و حالت دیگری از ماده است

(فریتوف، 1366). این مجموعه فرضیات فیزیک بنیاد و روان‌کاوانه که اغلب بسترهای ناشناخته‌ای برای عوام محسوب می‌شود، زمینه مناسبی فراهم کرده است که شیادان بازار پروتق معنویت از تئوری‌های مذکور برای ارائه مدل‌های بدلی از معنویت توحیدی استفاده و بخشی از معنویت جویان خسته از دیسپلین مدرنیسم عصر جدید را به سوی خود جذب کنند.

در مجموع به نظر نگارنده، ماهیت و گوهر مدرنیته یعنی اصالت دادن به فاعل شناسای انسانی و در نهایت نسبی‌گرایی معرفتی از مهم‌ترین عوامل پیدایش فرقه‌های مذهبی و نوپدید دینی است. وقتی مدرنیته با شعار کفایت عقل بشر در تأمین سعادت و بی‌نیازی از دین و تعالیم مقدس در ساختن بهشت زمینی و نیز شعار اصالت دنیا و طبیعت و توسعه عقلانی منهای قدسیت به میدان آمد زمینه را برای جریان پست مدرن فراهم کرد و با تحقق آن، کثرت‌گرایی معرفتی و به دنبالش کثرت‌گرایی دینی، مذهبی، فرهنگی و اخلاقی شکل گرفت و فرقه‌های نوپدید دینی و مذهبی پدید آمد. وضعیت ناپایدار دینی و مذهبی، زاییده وضعیت ناپایداری معرفتی و فلسفی است و عوامل دیگر را باید عوامل فرعی قلمداد کرد.

گفتار سوم: عوامل گرایش به فرقه‌های مذهبی

با توجه به شرایط ناشی از تحولات فراملی و جهانی‌گرایی که به کم‌رنگ شدن مرزهای ژئوپلیتیکی، درهم تنیدگی روابط اجتماعی و فرهنگی، توسعه دامنه آگاهی عمومی، گسترش روابط و اعمال فراملی، بحران هویت و استحاله فرهنگی، شکل‌گیری ایدئولوژی فراملی، جهانی‌گرایی مجازی و... منجر شده است (افروغ، 1388: 17-18) و تحولات فروملی (تغییرات اجتماعی) که تغییرات سریع، مداوم و پی‌درپی، قالب شدن فناوری، تشدید عرفی‌گرایی، دگرگونی در ارزش‌های و هنجارهای اجتماعی و... را در پی دارد، می‌توان گفت گرایش به فرقه‌های مذهبی و نوپدید دینی در کشورهای مبدأ، دارای علل اجتماعی و یا دست‌کم مربوط به گرایش فردی مؤسسان بوده است. امروزه این جنبش‌ها در بسیاری از کشورهای



غربی و حتی اسلامی که تفاوت‌های فرهنگی بسیاری با جوامع مبدأ این جنبش‌ها داشته‌اند، گسترش یافته است (کیانی، 1388: 113).

عوامل گرایش به فرقه‌های نوپدید به دو دسته عوامل درون فرهنگی و برون فرهنگی تقسیم می‌شود. عوامل درون فرهنگی شامل عوامل برآمده از جامعه خودی و عوامل برون فرهنگی شامل عوامل القایی از جامعه غیرخودی است. نکته قابل توجه این است که عوامل فرهنگی درونی و بیرونی از لحاظ جامعه شناختی در هم تنیدگی داشته و تفکیک آنها ممکن نخواهد بود. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

شکاف اجتماعی ناشی از تقابل سنت و مدرنیته: کشمکش تاریخی دو جریان سنت محدود در افکار و افعال آباء کلیسا و برخی نظریات متحجرانه جامعه اسلامی مانند سلفی‌گرایان - و جریان مدرنیته در حوزه‌های اندیشه و عمل باعث ایجاد دو گرایش افراط و تفریط در میان متفکران شده است. گروهی مدرنیته را طرد کرده و دسته‌ای نیز آن را پذیرفته‌اند. این دو گرایش افراطی و تفریطی، امکان عرضه معنویت راستین و مشروع را در این دعوای تاریخی و حاشیه‌ای صعب و سخت کرده و زمینه گرایش به فرقه‌های مذهبی و نوپدید را فراهم ساخته است. برای جلوگیری از این آسیب مهم، باید بر اساس عقلانیت اسلامی راه میانه و معتدل را در برخورد میان سنت و مدرنیته پیش گرفت و مدرنیته‌گزین انتقادی شد.

تبعات روحی و روانی ناشی از جنگ‌های استعماری: در دهه‌های اخیر خسارت‌های بسیاری در اثر جنگ‌های استعماری به کشورهای اسلامی وارد شده که یکی از این خسارت‌های ناخواسته، زیان‌های معنوی در کنار زیان‌های مادی بوده است. برخی از افراد در جوامع اسلامی برای درمان روحی خسارت‌های معنوی، به فرقه‌های نوپدید مذهبی و معنوی پناه می‌برند تا بتوانند آرامش روحی و روانی مورد ادعای فرقه‌ها را به دست آورند. متولیان دینی باید قادر باشند با توجه به آسیب‌های روحی و معنوی به نیازهای معنوی جامعه از طریق اسلام اجتهادی پاسخ دهند.



بحران هویت دینی: هویت دینی هر انسانی مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی، ارزشی، احساسی و نمادی است که حول یک مفهوم مقدس سازمان می‌یابد و باعث تأثیرگذاری بر کنش‌های اجتماعی، ایجاد همبستگی و انسجام درون دینی و تمایز برون دینی می‌شود (رئوفی، 1389: 105) و (گیدنز، 1378: 81). داعیه‌داران نوپدید دینی در نبود معنویت توحیدی و وجود انشقاق و برخی انحرافات میان مدعیان ادیان و مذاهب توحیدی باعث آسیب زدن به اصالت معنویت توحیدی و انسجام درونی و همبستگی اجتماعی دینداران می‌شوند و هویت دینی را در معرض تکرر و تزلزل قرار می‌دهند.

تضعیف معرفت دینی: معرفت دینی دینداران، برگرفته از منابع اصیل دینی است که توسط مجتهدان و متخصصان دینی ارائه می‌شود. فرقه‌گرایی باعث انتقال معرفت‌های دینی غیراجتهادی می‌شود و فهم نادرست و غیروش‌مند، ظاهری، سطحی، عوامانه پسند و التقاطی را به دینداران منتقل می‌کند. اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های مدرن در شدت بخشیدن به تفکر دینی التقاطی در مقابل تفکر دینی اجتهادی، نقش بسزایی دارند.

تخریب ساحت معنویت حقیقی: معنویت یکی از ساحت‌های آدمیان است که باعث تعالی روح انسان از ساحت مادیت به ساحت ملکوتی می‌شود. تفکیک معنویت از ساحت مادیت برای هیچ ایدئولوژی و مکتب مادی ممکن نیست، چون هر انسانی به صورت فطری، معنویت‌گرا است و گرایش به معنویت در سرشتش نهفته است. تحریف در معنویت امکان‌پذیر است و فرقه‌های نوپدید می‌توانند ساحت معنویت آدمیان را به شیوه‌ای جهت دهند که به جای گرایش انسان به خدای حقیقی، گرایش به خدای متوهم و مجازی را تحقق بخشند. رسانه‌های مدرن و فضای مجازی در تحقق این آسیب، نقش بسزایی دارند. جهت‌دهی معنویت‌گرایی انسان‌ها به سمت معنویت ملکوتی و الهی می‌تواند جلوی این تخریب را بگیرد.



نهادینه نشدن سبکی زندگی: سبک زندگی، اصلی‌ترین بخش سازنده تمدن اسلامی و تداوم بخش هنجارهای مفید و عامل کنترل ناهنجاری‌های فرهنگی، اجتماعی و معنوی است. وقتی سبک زندگی، نهادینه نشود جامعه پذیرای چالش‌ها و بحران‌های خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی خواهد شد و شکل جدیدی از رفتارهای فردی و اجتماعی پدید می‌آید. نهادینه سازی سبک زندگی صحیح می‌تواند از این آسیب نیز جلوگیری کند.

توسعه بی‌رویه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی: رشد بی‌رویه رسانه‌ها و فضای مجازی در انتقال اندیشه‌های انحرافی فرقه‌های نوپدید نقش مهمی داشته و باعث گرایش متدینان به فرقه‌های انحرافی شده است. جهانی سازی توسط لیبرالیست‌ها برای حفظ سلطه نظام لیبرالیسم در این راستا، گام‌های فراوانی بر می‌دارد. امپریالیسم تبلیغاتی و بنگاه‌های اطلاعاتی کشورهای پیشرفته همواره به دنبال فرقه‌سازی از طریق فضای مجازی هستند. بهره‌گیری مثبت دینداران از فضای مجازی و ترویج اندیشه اصیل دینی و پاسخ به شبهات فرقه‌های نوپدید دینی می‌تواند از گرایش حداکثری مردم به این گروه‌ها جلوگیری کند.

ناشناخته ماندن سرچشمه‌های توطئه: عوامل سیاسی در گرایش به فرقه‌های نوپدید، نباید فراموش شود. شبلی نعمانی درباره تأثیر مسائل سیاسی در پیدایش و گرایش فرقه‌های اسلامی می‌گوید: «گرچه برای اختلاف عقاید باید تمام عوامل و اسباب فراهم شود، اما آغاز آن از سیاست یا مقتضیات مملکتی بوده است» (نعمانی، 1386: 14). الین بارکر و گاردن میلتون از محققان جامعه‌شناسی ادیان جدید می‌نویسند: «با آنکه یهودیان تمایل زیادی به بروز و ظهور در قالب ادیان جدید نشان می‌دهند، شمار اندکی از آنها از پیشینه دینی خود روی برمی‌گردانند و این نکته قابل توجه است که شمار بسیار زیادی از آنها، یهودیان قومی و نژادی هستند که نه تنها پیرو که پایه‌گذار جنبش‌های جدید دینی هستند» (بارکر و ملتون، 1381: 249).

ترویج اندیشه‌های پلورالیستی و هرمنوتیکی، ترویج هزاره‌گرایی و منجی‌گرایی نوین، تمرکز بر احساسات و عواطف زنان از طریق تفکیک جنسیتی، استفاده از قابلیت دیرینه‌شناختی گرایش‌های معناگرایی در جامعه ایرانی، جابه‌جایی الگوهای مرجع معنوی جامعه، اختلاف و گسست ایدئولوژیکی و گفتمانی نسل‌ها، سیاست‌زدگی افراطی دینداران، افراطی‌گرایی عاطفی در ترویج شعائر و نمادهای مذهبی و غیره می‌توانند از عوامل گرایش به فرقه‌ها در جوامع اسلامی به شمار آیند.

گفتار چهارم: آسیب‌شناسی فرقه‌گرایی در امنیت اسلامی

ریشه مفهوم امنیت در اندیشه اسلامی را می‌توان در چند آیه قرآن کریم جست‌وجو کرد:

- «وَلَا تَبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَيْنَكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكَكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ از راه‌های متعدد تبعیت نکنید که آن راه‌ها شما را از راه خدا متفرق می‌کند (انعام/153).

پس مهم‌ترین کارکرد منفی و آسیب فرقه‌ها عبارت است از ایجاد شکاف در وحدت فرهنگی و معنوی جامعه، ایجاد پایگاه اجتماعی و فرهنگی محکم و دائم در درون جامعه و ایجاد ساختار متفاوت و مستقل از نهاد مذهبی و دینی جامعه.

- «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»؛ (آری) آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک نیامیختند امنیت مال آنها است و آنها هدایت یافتگانند (انعام/82).

در آیه مذکور روی نگرداندن از ایمان توحیدبنیاد موجب دوری از آلودگی شرک و دوری از شک منشأ امنیت تلقی شده است. به تعبیر دیگر دور شدن از ایمان توحیدی منشأ آلودگی مشرکانه و شرک منشأ ناامنی تلقی می‌شود. فرقه‌های نوپدید دینی به دلیل ایجاد بدیل‌های معنی در فضای غیرتوحیدی از طریق



تقدس‌زدایی از باورهای مؤمنانه و توحیدی و کثرت‌گرایی دینی و مذهبی به صورت طبیعی، ناهنجاری و ضد ارزش‌های اجتماعی را که اغلب منشأ تثلیث، ثنویت‌گرایی، طبیعت‌گرایی، نسبی‌گرایی، ماوراءالطبیعه‌گرایی و حتی شیطان‌ستایی می‌شود جایگزین هنجارها و ارزش‌های توحیدی می‌کند.

- آیه سوم و چهارم سوره مبارکه قریش: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»، «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»؛ پس (به شکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند. همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ناامنی رهایی بخشید.

در آیه آخر سوره قریش، تمرکز مردم در عبادت پروردگار بر گرد خانه خدا (وحدت و انسجام در جهت‌گیری اعمال عبادی) منشأ امنیت و رهایی از ناامنی ذکر شده است. در حالی که فرقه‌ها به صورت بنیادین ماهیت شکاف‌آفرینی و وحدت‌شکنی در صوف معنوی و مذهبی جوامع جویای معنویت دارند. بنابراین فرقه‌های نوپدید دینی یکی از مصادیق بارز ایجاد ناامنی محسوب می‌شوند.

پس فرقه‌گرایی از طریق دامن زدن و شعله‌ور ساختن انواع تضادها، کشمکش‌ها و خشونت‌ها، باورهای التقاطی، انسجام‌زدایی و تفرقه‌افکنی نقش مستقیمی در ایجاد بی‌ثباتی امنیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارند. فرقه‌ها علاوه بر ایجاد ناامنی فکری و روانی در باورهای آحاد جامعه اسلامی که از آن به تهدیدات نرم تعبیر می‌شود، از طریق تولید و تکثیر خشونت‌های فرقه‌ای به ایجاد و تکثیر تهدیدات سخت نیز مبادرت می‌ورزند. این تهدیدات در اشکال مختلفی مانند ترور، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، تخریب و بمب‌گذاری، اغتشاشات و ناآرامی‌های شهری زمینه بی‌ثباتی اجتماعی، سیاسی و امنیتی را در جامعه اسلامی فراهم می‌کنند.

آسیب مهم دیگر فرقه‌گرایی، ایجاد انحطاط تمدنی است. فرقه‌گرایی، فرایندی است که به دلیل تحریف در اندیشه‌ها و عقاید و تعصب در رفتارها موجب تبدیل مذهب‌گرایی به رفتار مشروع و مقبول اجتماعی می‌شود و انحطاط تمدنی

فراهم می‌گردد.

وقتی پیشرفت در آستانه تغییر همه جانبه قرار گیرد و زمینه را برای تمدن‌سازی فراهم سازد فرقه‌سازی مذهبی ظاهر می‌شود و به عنوان عامل تهدید نرم و تهدید سخت، مانع امنیت ملی و موجب انحطاط اجتماعی و تمدنی می‌شود. بنابراین جامعه با تناقض‌های بیشتر و چنددستگی، توان خود را از دست می‌دهد و ظرفیت تغییرپذیری و پیشرفت‌ش کاهش می‌یابد. دشمنان قسم خورده جامعه از آن سوی مرزها، برای دست‌اندازی به منطقه با شگردهای مسالمت‌آمیز و هم‌پیمانی با هیئت‌های حاکمه‌ای که در پی همدستی با بیگانگان بر ضد ملت خود هستند و یا به صورت جنگ نظامی، جامعه را به ورطه انحطاط می‌کشانند (الانصاری، 2000: 7).

نتیجه‌گیری

تفاوت بنیادین امنیت ایجابی مورد توجه و اتکا در رویکرد امنیتی اسلامی با امنیت سلبی تمرکز بر آسیب‌های داخلی، توجه به ابعاد نرم‌افزاری و اشکال قدرت نرم و تمرکز بر نقش سازنده و بلامنازع سرمایه اجتماعی برای ایجاد تعادل نسبی میان خواسته‌ها و داشته‌های بازیگران در امنیت‌سازی است. با این وصف، امنیت ایجابی می‌کوشد در یک رویکرد نرم‌افزارگرایانه متکی بر پدیده‌های فرهنگی و تمرکز بر اولویت‌ها و ملاحظات درونی در سه سطح ایده (بعد ذهنی مرتبط با آرمان‌های مخاطبین)، فیزیک (بعد عینی مرتبط با امور ملموس واقعی) و منافع (مرز ذهنیت و عینیت یعنی بین آرمان و واقعیت) برای جامعه رضایت تولید کند.

فرقه‌گرایی حامل افکار و رفتارهای ایدئولوژیک و متفاوت با جامعه جدایی طلب و منحرف است و با استواری بر پایه چهار رکن وراثت، وفاداری، اطاعت و تعصب تلاش می‌کند اقشار دیگر جامعه هدف را برای تبعیت از



هنجارها و ارزش‌های متعصبانه خودساخته رهبرانش متقاعد سازد.

فرقه‌گرایی به این معنا، مقدمه‌ای بر انحرافات اجتماعی به معنای دگرگونی در مسیر و سرپیچی از حرکت در روش تعیین شده به ویژه انحراف از ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی و دینی است. رفتار انحرافی افراد فرقه‌گرا متعصبانه، تجزیه‌طلبانه و التقاطی است. در واقع آنان برخلاف حرکت جامعه به دنبال تشکیل فرقه، گروه و دسته‌ای متفاوت و گاهی متباین با هنجارهای معنوی جامعه هستند. انحرافات مذهبی و فرقه‌گرایی یکی از موانع اساسی تحقق برقراری جامعه دینی هدف‌دار، پویا و آرمانی و تمدن‌ساز و عامل مهم تضعیف ارزش‌های بنیادین و حیاتی نظام دینی است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه 82 سوره انعام¹ شریفه می‌نویسد: «به جهت اسناد در جمله‌های اسمیه، تأکید قوی در آیه است و نتیجه تأکید این است که بدون تردید «امن» و «هتداء» به مؤمنینی اختصاص دارد که چراغ ایمان را در پس پرده ظلم قرار ندادند و از این رو، آیه شریفه دلالت می‌کند بر اینکه «امن» و «هتداء» از خواص و آثار ایمان است، البته به شرط اینکه ایمان به وسیله ظلم پوشیده نشود» (طباطبایی، 7، 200). در تفسیر نمونه نیز آمده است: «امنیت و آرامش روحی تنها موقعی به دست می‌آید که در جوامع انسانی دو اصل حکومت کند: ایمان و عدالت اجتماعی. اگر پایه‌های ایمان به خدا متزلزل شود و احساس مسئولیت در برابر پروردگار از میان برود و عدالت اجتماعی جای خود را به ظلم و ستم بسپارد امنیت در چنان جامعه‌ای وجود نخواهد داشت. به همین دلیل با تمام تلاش و کوششی که جمعی از اندیشمندان جهان برای برچیدن بساط ناامنی‌های مختلف در دنیا می‌کنند روزبه‌روز فاصله مردم جهان از آرامش و امنیت واقعی بیشتر می‌گردد. دلیل این وضع همان است که در آیه فوق به آن اشاره شده؛ یعنی پایه‌های ایمان لرزان و ظلم جای عدالت را گرفته است»

1. الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (انعام/82)

(مکارم شیرازی، 5، 321).

پس باید همه مقوله‌های تمدنی را جمع کرد و یکی را فدای دیگری نکرد. عقلانیت، ایمان، عدالت، امنیت و آزادی باید در یک نظام موضوعی قرار گیرند تا به صورت ارگانیزم به تمدن‌سازی واقعی بشر مدد رسانند.

با توجه به ماهیت انحرافی و تخریبی فرقه‌های نوپدید دینی و فرقه‌گرایی در سه سطح بر امنیت اسلامی که از منظر معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی ماهیت ایجابی دارد تأثیر منفی و مخرب و قابلیت تهدیدزایی از جنس نرم و سخت دارند:

اول در سطح ایده و بعد ذهن، ایجاد شکاف ایدئولوژیکی در جامعه توحیدی از طریق هویت‌سازی معنوی و جایگزینی آرمان‌های انسانی و التقاطی منقوش به ایده‌های ماورایی و خرافی به جای آرمان‌های توحیدی و مذهبی؛

دوم در سطح منافع که مرز ذهنیت و عینیت، ایجاد شکاف اجتماعی و اقتصادی از طریق جلب و انحصار منابع انسانی و مادی جامعه در جهت اهداف و اغراض مادی و غیرمادی زعیمان فرقه‌ای و شعله‌ور ساختن تضاد و خشونت‌های مذهبی و قومی؛

سوم فیزیک و بعد عینی ایجاد شکاف ساختاری از طریق جعل و تکثیر رهبران و نهادهای موازی و متباین معنوی و جایگزین کردن آن با رهبر منصوب و منصوص به نص و نهاد اصیل و مبتنی و متکی بر منبع نقل و وحی.

فهرست منابع

- قرآن کریم (1373)، ترجمه آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- آریانپور کاشانی، عباس (1369)، فرهنگ آریانپور، پنج جلدی، چاپ سوم، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- افتخاری، اصغر (1380)، فرهنگ امنیت جهانی، در: مک کین لای و آر. لیتل، امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (1385)، کالبد شکافی تهدید، تهران: دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم

- دفاعی - مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع).
- افروغ، عماد (1388)، *اسلام و جهانی شدن*، در مجموعه مقالات: جهانی شدن و جهان اسلام، چاپ اول، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
- آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (1383)، *فرهنگ علوم سیاسی*، چاپ اول، تهران: نشر چاپار.
- بارکر، الین و ملتون، گردون (1381)، *ادیان جدید*، ترجمه باقر طالبی دارابی، فصلنامه هفت آسمان، شماره 15، فصل پاییز.
- بوزان، باری و دیگران (1386)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پیروزمند، علیرضا (1389)، *قلمرو دین در تعیین مفروضات اساسی، ارزش‌ها، رفتارها و نمادها*، چاپ اول، تهران: انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- تامسون، کنت و دیگران (1381)، *دین و ساختار اجتماعی*، ترجمه علی بهرام‌پور و حسن محدثی، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.
- حاجیانی، ابراهیم (1383)، *بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی*، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی، شماره 24، تابستان.
- خسروپناه، عبدالحسین (1392)، *کلام نوین اسلامی*، چاپ دوم، قم: انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی، تحقیق: مؤسسه حکمت نوین اسلامی.
- الدسوقی، محمد السید (1389)، *برنامه‌ای روشنمند برای نجات از فرقه‌گرایی*، مندرج در مجموعه مقالات: امت اسلامی: از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی، چاپ اول، تهران: معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (1377)، *لغتنامه*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- راسخ، کرامت‌الله (1391)، *فرهنگ جامع «جامعه‌شناسی و علوم انسانی»*، جلد دوم، چاپ اول، جهرم: انتشارات دانشگاه آزاد جهرم.
- رئوفی، محمود (1389)، *مؤلفه‌های هویت دینی*، فصلنامه دین و ارتباطات، شماره 37 و 38، سال هفدهم، فصل بهار - تابستان و پاییز.
- ساروخانی، باقر (1370)، *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (1385)، *جامعه‌شناسی کجروی*، مندرج در مجموعه مطالعات: کجروی و کنترل اجتماعی، کتاب اول، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (1385)، *جامعه‌شناسی کجروی*، مندرج در مجموعه مطالعات: کجروی و کنترل اجتماعی، کتاب اول، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سینگر، مارگارت تالر (1388)، *فرقه‌ها در میان ما*، ترجمه ابراهیم خدابنده، اصفهان: دانشگاه اصفهان، نوبت اول.



- ضابط، حمیدرضا (1383)، بررسی گروه‌های مذهبی نوظهور در جهان غرب، نشریه مشکوه، شماره 84 و 85، پاییز و زمستان.
- علیزاده، حسن (1381)، فرهنگ خاص علوم سیاسی، چاپ دوم تهران: انتشارات روزنه.
- فریتيوف، کاپرا (1366)، تابوی فیزیک، ترجمه حبیب‌الله دادفرما، تهران: انتشارات کیهان.
- قمی، عباس (1414)، سفینه البحار، جلد 2، تهران: نشر اسوه.
- کافی، محمد مهدی (1389)، قبیله حيله، چاپ اول، تهران: انتشارات علویون.
- کرمانی، طوبی (1389)، علل گرایش به فرقه‌گرایی، مندرج در مجموعه مقالات: امت اسلامی: از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی، ویژه‌نامه بیست و سومین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، چاپ اول، تهران: مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
- کیانی، محمد حسین (1388)، مؤلفه‌های معنویت نوپدید در ایران، مندرج در مجموعه مقالات: کتاب نقد، سال یازدهم، شماره 50-51، بهار و تابستان.
- گروه مطالعاتی امنیت (1387)، تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی نوبت اول.
- گولد، جولوس و کولب، ویلیام ل (1376)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمدجواد زاهدی مازندرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات مازیار.
- گیدنز، آتونی (1378)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مالرب، میشل (1385)، انسان و ادیان، نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- مردای حجت‌الله (1389)، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: نشر ساقی، نوبت دوم.
- معین، محمد (1375)، فرهنگ فارسی، جلد اول و دوم چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- موثقی، سیداحمد (1375)، جنبش‌های اسلامی معاصر، انتشارات سمت.
- نای، جوزف (1387)، قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نعمانی، شبلی (1386)، تاریخ علم کلام، جلد اول، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- همیلتون، ملکم (1390)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: نشر ثالث.
- واخ، یواخیم (1380)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه جمشید آزادگان، چاپ اول تهران: انتشارات سمت.
- ویلسون، برایان و کرسول، جیمی (1378)، جنبش‌های نوین دینی، محدودیت‌ها و امکانات، ترجمه محمد قلی پور، مشهد: نشر مرنديز.